

نقش هویت در هم‌گرایی امت اسلامی^۱

نجیب‌الله نوری^۲

چکیده

هدف از این پژوهش، بیان نقش هویت در هم‌گرایی جهان اسلام است. نخست با توجه به تعریف‌ها، ویژگی‌ها و سطوح هویت در روان‌شناسی و پژوهش‌های هویت، ارتباط متعارض هویت و هم‌گرایی مطرح شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا، ماهیت هویت در منابع اسلامی بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ماهیت هویت، متشکل از چهار مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف و توانمندی‌هاست و چنین هویتی نقش مؤثری در هم‌گرایی جهان اسلام ایفا می‌کند؛ زیرا این مؤلفه‌ها مسلمانان را به خدای واحد، پیامبر مشترک، کتاب مشترک، سرنوشت یکسان، ارزش‌های انسانی مشترک، اهداف واحد و ظرفیت‌های یکسان می‌رسانند. تمامی این امور می‌توانند شکل‌گیری هویت «امت واحده» را تسهیل کنند و هم‌گرایی را افزایش دهند.

کلیدواژه‌ها: هویت، هم‌گرایی، جهان اسلام، امت اسلامی، ارزش‌های انسانی مشترک

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

۲. طلبه سطح چهار حوزه علمیه و دکترای روان‌شناسی و پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ص، ۱۳۵۱@noori@gmail.com

مقدمه

هویت سازه‌ای پیچیده و دارای ابعاد مختلف است که در روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و زبان‌شناسی موضوع بحث قرار گرفته است (اسمیت، ۲۰۱۱). به همین دلیل تعریف‌های متفاوتی مطرح شده است که بیشتر آنها تحت تأثیر نظریه‌های خاص هستند (ویگنولز و همکاران، ۲۰۱۱). در این پژوهش، هویت با دیدگاه روان‌شناسی در سطوح فردی، گروهی و اجتماعی مد نظر قرار گرفته است. در مقدمه برای مشخص شدن نقش هویت در هم‌گرایی امت اسلامی، این نقش با توجه به تعریف‌ها، ویژگی‌ها و سطوح هویت بررسی، و سپس به پژوهش‌های هویت و هم‌گرایی در خارج از چارچوب روان‌شناسی اشاره می‌شود.

الف) تعریف‌های هویت و هم‌گرایی: با توجه به تعریف‌های هویت، ارتباط آن با هم‌گرایی جوامع یک ارتباط تعارض‌گونه است؛ از یک سو هویت به دلیل تأکید بر تمایز و جداسازی می‌تواند هم‌گرایی را تضعیف، و از سوی دیگر به دلیل تمرکز بر تشابهات و و همسانی‌ها می‌تواند هم‌گرایی را تقویت کند. برای روشن‌تر شدن این مطلب، نیاز است که نگاهی به مهم‌ترین تعریف‌های هویت داشته باشیم. در این پژوهش مهم‌ترین تعریف‌های هویت در روان‌شناسی گردآوری، و مقوله‌های مختلف هویت در آنها مد نظر قرار گرفته است. هدف از این گردآوری، بیان نقش هویت در هم‌گرایی یا ناهم‌گرایی است.

جدول ۱: خلاصه‌ای از مهم‌ترین تعریف‌های هویت		
مؤلف	تعریف	مقوله
ویلیام جیمز (۱۸۹۰)	«ادراک» فرد از تداوم و وحدت ذهنی و همچنین «احساس بدنی» مناسب که واکنش‌های فیزیولوژیکی مثبت ایجاد می‌کند.	احساس هشیارانه، پیوستگی
اریکسون (۱۹۶۸)	«احساس هشیارانه» از هویت فردی که مبتنی است بر وجود هم‌زمان دو مشاهده: ۱. «ادراک» همسانی خود و تداوم وجودی خویش در فضا و زمان؛ ۲. «ادراک» این واقعیت که دیگران همسانی و تداوم فرد را درک می‌کنند.	احساس هشیارانه، پیوستگی
مارسیا (۱۹۸۰-۱۹۹۳)	سازمان‌یافتگی پویا از کشاننده‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه فردی	سازمان‌یافتگی، عناصر
کرسینی (۱۹۸۷)	یکپارچه‌سازی و بازسازماندهی «خودشناسایی‌ها» و «خودانگاره‌های» گذشته برای پیش‌بینی آینده و دریافت همسانی یا پیوستگی خود.	سازمان‌یافتگی
برزونسکی (۱۹۸۸-۲۰۱۱)	«ساخت‌شناختی» یا «خودتئوری» مرکب از مفروضه‌ها، فرضیه‌ها، باورها و روان‌بنه‌ها و «چارچوب مرجع» برای انتخاب و تفسیر اطلاعات مربوط به خود.	سازمان‌یافتگی، عناصر
کازدین (۲۰۰۰)	«احساس پیوستگی» فرد از خود، احساس ارتباط بین امروز، دیروز و فردا.	پیوستگی
استریکر (۱۹۸۲)	«شناخت‌های» کاربردی منعطف در پاسخ به این سؤال که چه کسی هستیم.	احساس هشیارانه
تاجفل (۱۹۷۸)	عضویت گروهی در چارچوب سه عنصر: ۱. شناختی: آگاهی فرد از عضویت گروهی؛ ۲. ارزشی: فرض‌هایی درباره ارزش مثبت یا منفی عضویت؛ ۳. احساسی: احساسات در قبال گروه.	احساس هشیارانه
جاکوبسون (۱۹۹۸)	احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی، و احساس استقلال شخصی	پیوستگی



همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، بررسی محتوایی تعریف‌های هویت نشان می‌دهد که می‌توان آنها را به چهار مقوله کلی تقسیم کرد: «احساس هشیارانه»، «سازمان‌یافتگی»، «پیوستگی» و «عناصر هویت». هرکدام از این مقوله‌ها ارتباطی متفاوت با هم‌گرایی خواهد داشت.

۱. احساس هشیارانه: این مقوله بر شناخت و ادراک فرد، گروه یا جامعه از خود تأکید دارد؛ به گونه‌ای که فرد و جامعه، خود را بشناسد و درک کند. هویت از طریق این مقوله، ارتباطی تعارضی با هم‌گرایی برقرار می‌سازد؛ زیرا اگر فرد، جامعه و گروه ویژگی‌های منحصر به فرد خویش را درک کنند، از دیگران متمایز شده، ناهم‌گرایی بین افراد، گروه‌ها و جوامع به وجود می‌آید و از سوی دیگر اگر ویژگی‌های و خصایص مشترک خود را بشناسند، هم‌گرایی و هماهنگی با دیگران تقویت می‌گردد.

۲. سازمان‌یافتگی: در این مقوله بر یکپارچگی و انسجام فرد، گروه و جامعه تأکید می‌شود؛ به گونه‌ای که بتوانند جنبه‌های مختلف را در یک ساخت منسجم درهم‌آمیزند. هویت با توجه به این مقوله اگر از زاویه فردی نگریسته نشود، نمی‌تواند هم‌گرایی ایجاد کند؛ اما اگر از زاویه اجتماعی و دینی نگریسته شود، می‌تواند زمینه‌ساز هم‌گرایی و همسویی باشد؛ زیرا بر اساس این مقوله امت اسلامی می‌تواند جنبه‌های مختلف خویش را با هم یکپارچه و متحد سازد.

۳. پیوستگی: پیوند بین گذشته، حال و آینده است؛ به گونه‌ای که فرد، گروه، جامعه و امت اسلامی، تداوم و پیوستگی را در زندگی خود احساس کند. این پیوستگی می‌تواند هم‌گرایی بین امت اسلامی را تحکیم کند؛

۴. عناصر هویت: اجزای سازنده و محتوای هویت است که از ترکیب آنها ساخت مفهومی هویت مشخص می‌شود. برای نمونه باورها، ارزش‌ها،

مفروضه‌ها، فرضیه‌ها و روان‌بنه‌ها از عناصر هویت به شمار می‌روند. هویت با توجه به این مقوله می‌تواند رابطه پارادوکسی با هم‌گرایی داشته باشد؛ زیرا اگر باورها، ارزش‌ها و اهداف، فردی باشند، هویت سبب ناهم‌گرایی بین جوامع می‌شود و اگر این باورها، اهداف و ارزش‌ها جنبه اجتماعی و امتی داشته باشند، هویت می‌تواند سبب هم‌گرایی و هماهنگی بین اعضای امت شود.

ب) ویژگی‌های هویت و هم‌گرایی: هویت، نشان‌دهنده یک حقیقت و خصوصیت در افراد، گروه‌ها و جوامع است که ویژگی‌های خاصی را نشان می‌دهد. بررسی ویژگی‌های هویت در منابع روان‌شناسی، نشان می‌دهد که هویت دارای پنج ویژگی مجزاست. در این پژوهش به منظور بررسی نقش هویت در هم‌گرایی امت اسلامی، این ویژگی‌ها از منابع مختلف گردآوری، و در جدول شماره ۲ عرضه شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های هویت در روان‌شناسی

منبع	تعریف	ویژگی
هربرت مید (۱۹۶۴)، اریکسون (۱۹۸۰)، مارسیا (۱۹۸۰)، ترنر (۱۹۸۷)، بایرون (۱۹۹۷)، تاجفل (۱۹۸۷)، اپنلی و توماکو (۲۰۰۲)، جاکوبسون (۱۹۹۸).	بر پایه ویژگی تشابه، افرادی که در یک گروه هویتی قرار دارند، از نظر علایق، نیازها و انگیزه‌ها با یکدیگر همسان هستند.	تشابه
کازدین (۲۰۰۰)، جاکوبسون (۱۹۹۸)، بایرون (۱۹۹۷)، اپنلی و توماکو (۲۰۰۲)، اریکسون (۱۹۸۰)، مارسیا (۱۹۸۰)، بایرون (۱۹۹۷)، تاجفل (۱۹۸۷)، اریک فروم، (۱۳۸۵)، زیبایی‌نژاد (۱۳۸۸)، گل محمدی (۱۳۸۶)، نوذری (۱۳۸۵).	ویژگی تمایز و تفرد، بر مغایرت و تفاوت با دیگران از نظر ویژگی‌ها، احساس‌ها و باورها اشاره دارد که یکتایی، فردیت و استقلال را نشان می‌دهد.	تمایز و تفرد



جدول ۲: ویژگی‌های هویت در روان‌شناسی		
منبع	تعریف	ویژگی
اریکسون (۱۹۸۰)، کازدین (۲۰۰۰)، جاکوبسون (۱۹۹۸)، بایرون (۱۹۹۷)، مارسیا، (۱۹۸۰)، کرسینی (۱۹۸۷)، پنلی و توماکو (۲۰۰۲)، آکسفورد (۲۰۱۰)، نوذری (۱۳۸۵)، لطف‌آبادی (۱۳۸۵).	ویژگی تداوم به پیوستگی و همسانی در موقعیت‌های مختلف و طول زمان، یعنی دیروز، امروز و فردا اشاره دارد.	تداوم
اریکسون (۱۹۶۸)، مارسیا (۱۹۸۰)، برزونسکی (۱۹۸۷، ۲۰۱۱)، پنلی و توماکو (۲۰۰۲)، کرسینی (۱۹۸۷)، کازدین (۲۰۰۰).	بین جنبه‌های مختلف، انسجام و یکپارچگی وجود داشته باشد و عناصر مختلف در تقابل و تضاد نباشد.	یکپارچگی
جیمز (۱۸۹۰)، اریکسون، (۱۹۶۸)، بتز (۲۰۰۹)، استریکر و سرپ (۱۹۸۲)، مارسیا (۱۹۸۰)، تاجفیل، (۱۹۷۸)، آشمور و جوسیم (۱۹۹۷)، مارکستروم (۱۹۸۷)، بینون (۱۹۸۸)، اون (۱۹۸۴).	تصور، احساس، برداشت و تعریف از خودش و پاسخ به این سؤال که او یا آنها کیست.	خودتعریفی

اولین ویژگی هویت، تشابه است. تشابه در سطح فردی، گروهی، اجتماعی و تمدنی، تصورپذیر است. این ویژگی هویت، نقش مؤثر در هم‌گرایی گروه‌ها و جوامع خواهد داشت؛ زیرا بر اساس آن، گروه‌ها و جوامع به جنبه‌های مشترک و همانند خود توجه خواهند کرد.

دومین ویژگی هویت، تمایز و تفرد است که بر اساس آن، افراد، گروه‌ها و جوامع، از افراد، گروه‌ها و جوامع دیگر متمایز می‌شوند. این ویژگی نقش مؤثر در ناهم‌گرایی دارد؛ زیرا تأکید آن بر تمایز، جدایی و نداشتن تشابه است. سومین ویژگی هویت، تداوم است که بر همانندی فرد، گروه و جامعه در زمان‌های مختلف اشاره دارد. بر اساس این ویژگی، هویت می‌تواند نقش دوسوگرایانه داشته باشد. از یک سو اگر جوامع روابط هم‌گرا با دیگر جوامع

مسلمان داشته باشند، نقش هویت در هم‌گرایی مثبت خواهد بود و از سوی دیگر اگر گروه یا جامعه‌ای رابطه غیرهمسو با جوامع دیگر داشته باشد، ویژگی تداوم نقش منفی در هم‌گرایی خواهد داشت.

چهارمین ویژگی هویت، یکپارچگی و انسجام است. اگر هویت جمعی و گروهی مد نظر باشد، این ویژگی نقش مؤثری در هم‌گرایی امت اسلامی خواهد داشت؛ زیرا بر همانندی، انسجام و یکپارچگی تأکید دارد و اگر هویت فردی مد نظر باشد، انسجام فردی معلوم نیست که بتوانند هم‌گرایی امت اسلامی را تقویت کند.

آخرین و پنجمین ویژگی هویت، تعریف خود و پاسخ به سؤال کیستی و چیستی است. هویت با توجه به این ویژگی می‌تواند نقش مثبت در هم‌گرایی داشته باشد؛ زیرا گروه و جامعه‌ای که خود را شناخته باشد، ارتباط روشن با دیگران برقرار می‌سازد.

ج) سطوح هویت و هم‌گرایی: دانشمندان برای شناخت هویت، به سطوح مختلف آن اشاره کرده‌اند. این سطوح در نظریات مختلف، یکسان نیستند. جاناتان چک^۱ (۲۰۰۲) هویت را در چهار سطح فردی، جمعی،^۲ ارتباطی و اجتماعی؛ و اسمیت^۳ (۲۰۰۹) در سه سطح فردی، جمعی و اجتماعی ترسیم کرده‌اند و ویگنولز و همکاران (۲۰۱۱) نیز هویت را در سه سطح فردی، ارتباطی و جمعی، قابل بررسی دانسته‌اند.

سطح فردی: محتوای فردی شامل ارزش‌ها و اهداف فردی، دانش خود^۴ و حالت‌های فردی منحصربه‌فرد (اسمیت، ۲۰۰۹)؛ شامل اهداف، ارزش‌ها و باورها

1 .Cheek, Jonathan M.

2 . collective

3 . SMITS, ILSE

4 . self-knowledge



(واترمن، ۱۹۹۹)؛ باورهای دینی و معنوی (مکدونالد، ۲۰۰۰)، استانداردهایی برای رفتار و تصمیم‌گیری، حرمت خود و خودارزیابی، علایق، ترس‌ها، سطوح خود مورد انتظار برای آینده، داستان کلی زندگی فرد (مک‌آدامز، ۲۰۰۶)؛ ارزش‌های فردی و استانداردهای اخلاقی، آرزوها و رؤیاهای، اهداف و آرزوهای آینده، هیجان‌ها و احساسات، افکار و ایده‌ها، روش‌های کنار آمدن با ترس‌ها و اضطراب‌ها، احساس یکتایی و تمایز فرد از دیگران، احساس تداوم و همسانی حتی با تغییرات دنیای بیرون، دانش خود و این تصور که چگونه فردی است، خودارزیابی فردی و داشتن اندیشه فردی درباره خود است (چک، ۲۰۰۲).

تا حدودی روشن است که هویت در سطح فردی، نقش روشنی در تقویت هم‌گرایی بین جوامع نخواهد داشت؛ زیرا این سطح به باورها، ارزش‌ها و اهداف فردی اشاره دارد که ارتباط آنها با هم‌گرایی چندان روشن نیست.

سطح ارتباطی: در سطح ارتباط می‌توان به نحوه ارتباط با افراد نزدیک، دوست خوب بودن برای افراد نزدیک، تعهد فرد به همسر و دغدغه داشتن درباره او، داشتن تجربیات مشترک با دوستان نزدیک، داشتن ارتباط رضایت‌بخش فردی، صمیمیت با افراد دیگر، ارتباط مراقبت‌کننده با دیگران، علاقه به فهم افکار و احساسات بهترین دوست خود، ارتباط نزدیک با افراد دیگر و احساس فرد از ارتباط با افراد دیگر و مانند آن اشاره کرد. (چک، ۲۰۰۲). سطح ارتباطی به ارتباط فرد با دیگران مانند فرزند، همسر، والدین، همکار، استاد راهنما، و مشتری می‌پردازد و تنها به نقش‌ها در برابر دیگران اشاره ندارد، بلکه به این مطلب نیز توجه دارد که فرد چگونه توسط افراد دیگر تعریف و تفسیر می‌شود. از لحاظ فرایندی، رویکردهای مختلف به این اشاره دارند که هویت در روابط و فضای بین فردی شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود یا در فضای درون‌خانوادگی، یا در چارچوب نقش‌هایی که در یک

سیستم بزرگ‌تر مانند محل کار ایفا می‌شود (ویگنولز و همکاران، ۲۰۱۱).

هویت در سطح ارتباطی، ارتباط دوسوگرایانه با هم‌گرایی دارد؛ اگر ارتباط در سطح جوامع، فرهنگ‌ها و ملل در نظر گرفته شود، می‌تواند نقش مثبت در هم‌گرایی بین جوامع اسلامی داشته باشد.

سطح جمعی: عضویت در خانواده، زمینه نژادی و قومی، تعلق به دین، محل سکونت و محل تولد، احساس فرد در مورد تعلق به گروه، احساس غرور درباره کشور، افتخار به شهروندی، پرداختن به موضوعات سیاسی و فعالیت سیاسی، زبان، لهجه محلی و منطقه‌ای و زبان دوم (چک، ۲۰۰۲).

هویت جمعی، عبارت است از انتظارات، هنجارها و استانداردهای افراد معنادار مانند گروه‌های خانوادگی، انجمن، کشور و دین. هویت اجتماعی نیز به خودتعیین‌گری عمومی مربوط می‌شود؛ مانند شهرت، محبوبیت و تأثیر بر دیگران (اسمیت، ۲۰۰۹). هویت اجتماعی به عضویت فرد در یک گروه یا طبقه اجتماعی، معنابخشی فرد به این گروه یا طبقه اجتماعی، احساسات، باورها و نگرش‌های حاصل از این عضویت مربوط می‌شود. هویت جمعی به عضویت در طبقه‌های اجتماعی، مانند عضویت در گروه نژادی، ملی، دینی، جنسی و گروه‌های کوچک خانوادگی و کاری اشاره دارد (ویگنولز، شوارتز و لویس، ۲۰۱۱، ص ۴).

هویت در سطح جمعی می‌تواند نقش مؤثری در هم‌گرایی و هماهنگی داشته باشد؛ زیرا ارتباط بین کشورها، جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌سازد. سطح اجتماعی: سطح اجتماعی هویت، به محبوبیت فرد نزد دیگران، تصور از واکنش دیگران به گفته‌ها و کارهای فرد، ظاهر جسمانی، قد، وزن و شکل بدن، شهرت فرد نزد دیگران و افکار آنها درباره او.

جاذبیت برای دیگران، ژست‌ها و حرکات، و اثری که بر دیگران می‌گذارد و رفتار اجتماعی مانند کنش فرد در ملاقات با دیگران مربوط می‌شود (چک، ۲۰۰۲).



سطح اجتماعی، امور دیگری را نیز شامل می‌شود؛ مانند اشیای مورد تملک، سن: تعلق به گروه همسالان و تعلق به بخشی از یک نسل؛ جنسیت: زن یا مرد بودن؛ طبقه اجتماعی و اقتصادی مانند تعلق به طبقه بالا، متوسط یا پایین؛ توانایی فیزیکی مانند هماهنگی بدنی و فعالیت ورزشی، طرفدار ورزش یا عضو تیم ورزشی بودن، انتخاب شغل و برنامه‌های شغلی، توانایی و فعالیت تحصیلی؛ اظهارات و نمرات دریافتی از معلم، نقش فرد به عنوان دانشجو (چک، ۲۰۰۲).

هویت در سطح اجتماعی نیز می‌تواند هم‌گرایی بین جوامع را تسهیل سازد؛ زیرا به مجموعه روابط بین فرد و جامعه و همچنین ارتباط جوامع مربوط می‌گردد. بنابراین می‌توان از هویت اجتماعی در مورد امت اسلامی نیز سخن گفت.

ج) پژوهش‌های هویت و هم‌گرایی: یک پژوهش تجربی نشان داد که هویت مذهبی در بعد اعتقادی، و هویت ملی در بعد رفتاری، رابطه مثبت معنادار با هویت جهانی دارد. از طرف دیگر هویت مذهبی در بعد مناسکی با هویت جهانی رابطه منفی معنادار دارد. به طور کلی ارتباط هویت‌های محلی (مذهبی و ملی) با هویت جهانی در برخی ابعاد، از نوع هم‌گرایی و در برخی ابعاد از نوع واگرایی است (امینی‌زاده و بوستانی، ۱۳۹۵).

ارتباط جمهوری اسلامی با کشورهای آسیای میانه، در عین اینکه ظرفیت برخورداری از هویت اسلامی را دارد، به دلیل عوامل دیگر، همچنان کم‌رنگ است و پیشنهاد شده است که با اجتناب از تک‌محوری، یعنی اتکا به هویت اسلامی، از سایر ظرفیت‌ها برای برقراری ارتباط استفاده شود تا ارتباط هویتی تقویت گردد (کاظمی و ارغوانی، ۱۳۹۰). در پژوهشی دیگر رابطه هویت‌های فردی با هم‌گرایی این‌گونه توصیف شده است: «حال اینکه وقتی توجه خودمان را از مفهوم انطباقی با خود، به اتصال و ارتباط با افراد گروهی خاص که دارای

اشتراک و مشابهت با هویت فردی مان هستند، جست‌وجو می‌کنیم، در واقع به دنبال هویت اجتماعی و اشتراکی هستیم. بر این اساس جداسازی مردم بر اساس هویت‌های فردی و مستقل از یکدیگر، منجر به رویکردی می‌شود که تکواره‌گرا بوده و حال اگر این تکواره‌گرایی در دسترسی به منابع و تصادم خیالی یا واقعی تاریخی قرار گیرند، منجر به بروز خشونت مابین هویت‌های تکواره‌ای می‌شود» (خمیسی، ۱۳۹۵).

نتایج یک پژوهش دیگر در موضوع هم‌گرایی فرهنگی و سیاسی مسلمانان اروپا نشان داد که انسجام درونی و هویت قومی با هم‌گرایی ارتباط معکوس دارد؛ یعنی هرچه هویت قومی یکپارچه شکل بگیرد، هم‌گرایی کاهش می‌یابد. همچنین هویت دینی و هویت ملی با هم‌گرایی رابطه معکوس دارد؛ یعنی هرچه هویت‌های خاص مثل قومی، دینی و ملی منسجم‌تر شود، هم‌گرایی کلی بین مسلمانان کاهش می‌یابد (صفوی‌همای، ۱۳۹۲). از سوی دیگر از ابتدای دهه ۱۹۹۰ مفهوم هویت جمعی و نیز شکل‌گیری آن، به یکی از پیش‌شرط‌های اصلی تعمیق هم‌گرایی اروپایی تبدیل، و عنوان شده است که دوام اتحادیه اروپا منوط به شکل‌گیری هویت جمعی و گروهی است (واعظی، ۱۳۸۹). همچنین در یک پژوهش دیگر این نتیجه به دست آمد که بین هویت ملی و هویت جهانی هم‌بستگی معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه هویت‌های ملی قوی و نیرومند گردد، هویت جهانی و هم‌گرایی جهانی کاهش می‌یابد (نوابخش و مقتدرزاده‌ملکی، ۱۳۹۱). از سوی دیگر مفهوم‌شناسی امت واحده نشان می‌دهد که این مفهوم می‌تواند هویت واحد برای کشورهای اسلامی در نظر بگیرد. اگر هویت امت واحده شکل گیرد، هم‌گرایی بین کشورهای اسلامی به بالاترین حد خود خواهد رسید (بیدالله‌خانی، ۱۳۸۹).

بنابراین هویت به طور کلی با هم‌گرایی، یک رابطه مهم و دوسویه دارد





و روشن نیست که آیا هویت‌ها در جهت افزایش هم‌گرایی عمل می‌کند یا در جهت کاهش آن؟ از این‌رو هدف این پژوهش، بررسی رابطه هویت دینی با هم‌گرایی در جهان اسلام است. پرسش اصلی پژوهش نیز این است که هویت دینی با مؤلفه‌های برخاسته از قرآن و سنت، چه نوع رابطه‌ای با هم‌گرایی در جهان اسلام دارد؟

روش پژوهش

در این پژوهش از روش «تحلیل محتوا» استفاده شده است. این روش در گردآوری مصادیق خودیابی به کار رفته است؛ به این معنا که مفاهیم مختلف به عنوان مصادیق خودیابی (معرفت نفس) از منابع اسلامی و آثار دانشمندان مسلمان گردآوری، و سپس با توجه به قرابت محتوایی، در مؤلفه‌های مجزا قرار داده شده است. برای نمونه از کجا آمدن، در کجا بودن و چه مقصدی داشتن، تحت عنوان یک مؤلفه به نام باورها تحلیل شده است. همچنین وقتی باورها به عنوان یک مؤلفه مطرح شده است، موارد آن، از قبیل باور به خدا، پیامبر، قرآن و معاد تحلیل شده است. در مورد مؤلفه‌های دیگر نیز مصادیق با استفاده از همین روش مطرح شده است.

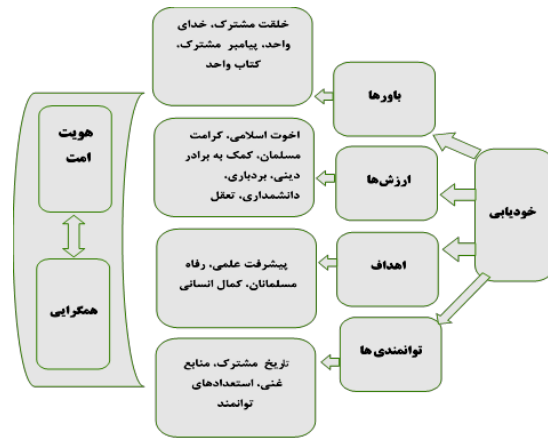
یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش، هویت دینی به معنای واقعی آن نقش اساسی در هم‌گرایی دارد؛ زیرا هویت دینی بر پایه منابع اسلامی از «خودیابی» شروع می‌شود. اصطلاح «خودیابی» از مفهوم «معرفت نفس» در منابع اسلامی اقتباس شده است (نوری و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین خودیابی یعنی یافتن توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها، استعدادها، گرایش‌ها، باورها، ارزش‌ها و اهداف خود. خود در اینجا می‌تواند به سطوح مختلف اشاره داشته باشد؛ یعنی همان‌طور که خود فردی

داریم، خود گروهی، نژادی، مذهبی، ملی، دینی، جهانی و «امتی» داشته باشیم. خودیابی علاوه بر معرفت نفس، از آیه «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ» (انبیاء، ۶۴) نیز اقتباس شده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۴۷۱) و نقطه مقابل آن «خودیگانگی» و «خودفراموشی» است که از آیه «نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ» (حشر، ۱۹) استنباط گردیده است. مفهوم «از خودبیگانگی» به وضوح به نقطه مقابل هویت یابی اشاره دارد و کسانی که خود را فراموش یا گم کرده‌اند، هویت خود را از دست داده‌اند (بشیری، ۱۳۸۴). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «در شگفتم از کسی که به دنبال گم‌شده خود می‌گردد، اما خود را گم کرده و آن را نمی‌جوید» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۷).

بنابراین اگر جوامع اسلامی بخواهند خودیابی داشته باشند، باید بتوانند باورهای بنیادی، ارزش‌های انسانی، اهداف نهایی و ظرفیت‌های دینی خویش را بشناسند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَرَفَتْ مِنْ أَيْنٍ وَ فِئِ أَيْنٍ وَ إِلَىٰ أَيْنٍ» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۵۹)؛ یعنی باید بدانند از کجا ریشه گرفته‌اند، در کجا قرار دارند و به سوی چه مقصدی در حرکت‌اند. به تعبیر امام صادق علیه السلام «عَرَفَتْ مَجْرَأَهُ وَ مَوْضِعَهُ وَ مَفْضُولَهُ... يَعْرِفُ مَا هُوَ فِيهِ وَ لِأَيِّ شَيْءٍ هُوَ هَاهُنَا وَ مِنْ أَيْنَ يَأْتِيهِ وَ إِلَىٰ مَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۵). در این روایت، «مجرأ» یعنی جایگاه فعلی خود را بشناسد، «موصول» یعنی مقصد خود را بداند و «مفضول» یعنی بدانند در کجا قرار دارد، چرا در آنجاست از کجا آمده است و به سوی کدام مقصد روان است.

با توجه به روایت‌های ذکرشده، می‌توان چهار مؤلفه مهم هویت را باورها، ارزش‌ها، اهداف و توانمندی‌ها به شمار آورد. به بیان دیگر، خودیابی باعث می‌شود که این چهار امر در جوامع اسلامی تحقق یابد.



نمودار ۱: نقش خودیابی در تحقق هویت امت و هم‌گرایی جوامع اسلامی همان‌گونه که در نمودار ۱ نشان داده شده است، خودیابی شامل چهار مؤلفه مهم است که می‌تواند در تحقق هویت یکپارچه امت و هم‌گرایی جوامع اسلامی نقش مؤثر داشته باشد.

مؤلفه یکم، باورها: باورها به گزاره‌های مورد قبول فرد درباره خود، خدا و جهان اشاره دارد. چنین گزاره‌هایی که در الهیات با عنوان عقاید شناخته می‌شود، اگر با پذیرش با شناخت و گرایش عاطفی همراه گردد، باور نامیده می‌شود. شناخت باورها که باورهای شخصی فرد درباره خویش را نیز در بر می‌گیرد، از مصادیق خودیابی (معرفت نفس) به شمار می‌رود؛ زیرا شناخت مبدأ، مسیر و مقصد که در روایات امامان معصوم (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱؛ کلینی، ۱۳۶۵) مطرح شده است، ناظر به سه اصل اعتقادی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰). دانشمندان مسلمان (جوادی آملی، ۱۳۸۹؛ مطهری، ۱۳۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق؛ نراقی، ۱۳۷۷؛ غزالی، ۱۳۸۰) باور فرد را درباره اینکه کیست، از کجا آمده است، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود، جزء خودیابی (معرفت نفس) دانسته‌اند.

اگر جوامع اسلامی باورهای بنیادین خود را دریابند، به هویت واحد و

هم‌گرایی مهمی می‌رسند؛ زیرا تمامی فرق و مذاهب اسلامی، موارد ذیل را از باورهای انکارناپذیر می‌دانند: خدای یگانه خالق انسان و همه جهان است؛ حضرت محمد ﷺ پیامبر خداست؛ قرآن کتاب الهی و منشأ شریعت اسلامی است؛ این جهان بیهوده آفریده نشده و پس از این جهان، آخرتی است که روز جزا و حساب و کتاب است. تمامی این موارد جزء مسلمات دین اسلام است که تمامی فرق و مذاهب اسلامی آنها را پذیرفته‌اند. حال اگر مسلمانان و جوامع اسلامی به خودیابی برسند، یعنی این باورهای خود را باز یابند، به هم‌گرایی استواری دست می‌یابند.

مؤلفه دوم، ارزش‌ها: ارزش‌ها به معیارها، استانداردها و اصولی اشاره دارد که اعمال فرد بر پایه آنها ارزشیابی می‌شود و به صورت خوب و بد یا باید و نباید مشخص می‌گردد. فرد، گروه، جامعه و امتی که ارزش‌های خود را شناخته باشد، می‌داند که چه معیارها و اصول ارزشی را پذیرفته است و بنابراین برای او ارزشمند به حساب می‌آید. اهمیت ارزش‌های اخلاقی در منابع اسلامی ذیل عنوان‌های حُسن خلق (کلینی، ۱۳۶۵)، خُلُق عظیم (قلم، ۴) و مکارم اخلاق (کلینی، ۱۳۶۵) بیان شده است. در منابع اسلامی و آثار دانشمندان مسلمان تعبیرهایی وجود دارد که نشان می‌دهد شناخت ارزش‌ها از عناصر خودیابی (معرفت نفس) به شمار می‌رود؛ تعبیرهایی مثل شناخت ارزش‌های انسانی در فطرت مشترک (مطهری، ۱۳۷۷)؛ فضایل نفسانی و اخلاق حسنه (فیض کاشانی، ۱۴۰۶)؛ اخلاق درونی، ملکات فاضله و رذیله، حالات پسندیده و ناپسند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق)؛ اخلاقیات متکی بر وجدان، یعنی حسن و قبح عقلی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷) و عقل عملی (جوادی آملی، ۱۳۸۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷؛ کربلایی، ۱۴۰۴ق).

اگر جوامع اسلامی ارزش‌های خود را بشناسند، متوجه می‌شوند که ارزش‌های مشترک زیادی دارند؛ مانند: اخوت اسلامی، کرامت مسلمان، کمک



به برادر دینی، کمک به هم‌نوع، اهمیت دانش، بردباری، تعقل و تفکر، تقوا، راست‌گویی، درستکاری، امانت‌داری، تلاش و پایبندی به دین. زنده کردن این ارزش‌ها در جوامع اسلامی آنها را به ارزش‌های مشترک می‌رساند و ارزش‌های مشترک، هویت مشترک و هم‌گرایی اجتماعی ایجاد می‌کند.

مؤلفه سوم، هدف‌ها: هدف‌ها به ایده‌ها، آرمان‌ها و نتایجی اشاره دارد که فرد، گروه، جامعه، ملت یا امت، پیش از انجام هر فعالیت، آنها را در نظر می‌گیرد و اعمال خویش را به گونه‌ای انجام می‌دهد که آنها محقق شوند. شناخت هدف‌ها که علاوه بر هدف از خلقت جهان و انسان، هدف‌های معنوی و مادی کوتاه‌مدت و بلندمدت فردی را نیز شامل می‌شود و در زبان روایات با عنوان «کدام سو»^۱ (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱)، مقصد^۲ به چه منظوری^۳ و حرکت به سوی چیزی^۴ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰) مطرح شده است، بخشی از خودیابی (معرفت نفس) به شمار می‌رود؛ زیرا دانشمندان مسلمان (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، جواد آملی، ۱۳۸۸) با طرح روایت‌های یادشده در چارچوب خودیابی، با اصطلاحاتی چون شناخت کمال، سعادت و شقاوت (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳)، شناخت هدف و کمال پیش از یافتن آن (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ب)، درک هدف افعال (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱)، شناخت محل بازگشت خود^۵ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق) و آگاهی از اینکه به کجا می‌روم (مطهری، ۱۳۷۷)، به هدف‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های خودیابی اشاره داشته‌اند.

اگر جوامع اسلامی اهداف اسلامی خود را پیدا کنند و هدف از خلقت انسان را که در دین، کمال انسانی و معنوی، پیشرفت علم و خردمندی، رفاه

۱. الی این.

۲. موصول.

۳. لَأَيِّ شَيْءٍ هُوَ هَاهُنَا.

۴. وَ إِلَى مَا هُوَ صَائِرٌ.

۵. ما تعود إليه.

مسلمانان و آماده‌سازی انسان برای زندگی پس از مرگ بیا شده است، تحقق بخشند، به هویت واحد و هم‌گرایی می‌رسند.

مؤلفه چهارم، توانمندی‌ها: توانمندی‌ها به توانایی‌ها و ظرفیت‌های نوعی، مهارت‌ها، دانش‌ها و استعدادها و ویژه فرد اشاره دارد. در منابع اسلامی آموزه‌های کمال‌پذیری انسان و توانایی رسیدن به فرشتگان (بقره، ۳۱)، مراتب عقل (مجلسی، ۱۴۰۵)، قرار داشتن جهان بزرگ‌تر در درون انسان (مجلسی، ۱۴۰۶)، و در نظر گرفتن انسان‌ها به صورت معادن (کلینی، ۱۳۶۵) به توانمندی‌ها مربوط می‌شود. در چارچوب خودیابی، مؤلفه توانمندی‌ها با عنوان شناخت قوای نفس (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱)، استعدادها و نیروهای کمال انسان (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ب)، ساختار توانایی‌های انسان (جوادی آملی، ۱۳۸۹)، قدرت تشخیص، قوای جاذبه و دافعه بدن (امام خمینی، ۱۳۷۸)، دانش‌هایی که بخشی از وجود فرد می‌شوند (مولوی، ۱۳۹۲)، استعدادها و گوناگون، گنج‌های درون روان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷)، استعدادهای عیان و نهان (مهدوی‌کنی، ۱۳۷۶)، عقل عملی و نظری (کربلایی، ۱۴۰۴ق) مطرح، و شناخت آنها بخشی از خودیابی معرفی شده است.

اگر جوامع اسلامی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود را بیابند، به هویت واحد و هم‌گرایی اسلامی می‌رسند. ظرفیت‌های مسلمانان عبارت‌اند از: معارف غنی که در قالب آیات و روایات و آثار اندیشمندان مسلمان مطرح شده است، ریشه تاریخی پربر، شرایط جغرافیایی، معادن و ذخایر ارضی، جمعیت انبوه و استعدادها و فردی فراوان. خودیابی در قالب این استعدادها و ظرفیت‌ها و توانایی‌ها نقش مؤثری در ایجاد هم‌گرایی خواهد داشت.



تبیین یافته‌های پژوهش

بر پایه نتایج این پژوهش، خودیابی و به دنبال آن یافتن باورها، ارزش‌ها، اهداف و توانمندی‌ها می‌توانند هم‌گرایی در خور توجهی در جهان اسلام ایجاد کنند. دلیل این همه واگرایی امروز جهان اسلام، نبود خودیابی است. به بیان دیگر، مسلمانان، خودشان و داشته‌هایشان را نمی‌شناسند و ظرفیت‌های متعالی خود مثل معارف غنی، استعدادهای قوی، فرهنگ اصیل، باورهای بنیادین، و اهداف متعالی‌شان را گم کرده‌اند؛ فرهنگ خود را کم‌ارزش، و فرهنگ بیگانه را ارزشمند می‌دانند؛ مدام در پی آثار فرهنگی، علمی و تمدنی بیگانگان حرکت می‌کنند؛ داشته‌های خود را نمی‌بینند، نمی‌یابند و نمی‌شناسند، ولی داشته‌های دیگران را گرانها می‌پندارند و برای رسیدن به آن از همدیگر سبقت می‌گیرند؛ در وابسته شدن به دیگران رقابت می‌کنند. به تعبیر امام صادق علیه السلام خودشان را گم کرده‌اند و به دنبال آن نمی‌گردند (قمی آمدی، ۱۳۶۵، ص ۳۷).

امروزه جهان اسلام به جای اتکا بر باورها و ارزش‌های خود، رقابت‌های قومی، نژادی، مذهبی و ملی را سرلوحه کار خویش قرار داده است؛ به جای اخوت اسلامی و کمک به برادر دینی، منافع ملی را جزء سیاست‌های اصلی خود قرار داده است؛ و کشورهای اسلامی به جای توجه به اندیشه اخروی و ارزشمند دانستن کمال انسانی و معنوی، دنیاگرایی و مناقشه بر سر آب، خاک، معادن و تجارت را در رأس مناسبات کشوری خود قرار داده‌اند. به همین دلیل واگرایی افزایش، و هم‌گرایی کاهش یافته است.

درواقع کشورهای اسلامی به دلیل روی آوردن به فرهنگ، علم و سیاست غیراسلامی دچار بحران هویت اسلامی شده‌اند. اگر این کشورها باورهای اصیل اسلامی، ارزش‌های والای انسانی و اهداف باعظمت دینی خود را بیابند،

به هویت «امت واحده» می‌رسند؛ زیرا هویت از باورها، ارزش‌ها، اهداف و توانمندی‌ها تشکیل شده است (نوری و همکاران، ۱۳۹۵)؛ اما امروزه «امت واحده» به «امت هزاره پاره» تبدیل شده است؛ به دلیل اینکه اصل و ریشه و ارزش‌های خود را فراموش کرده‌اند.

جوامع اسلامی به دلیل همین دوری از ارزش‌های اسلامی، یکی از بزرگ‌ترین ارزش‌های خود، یعنی «خردگرایی» را فراموش کرده‌اند و به جای تعقل، اندیشیدن، روشن‌اندیشی و تفکر، به سوی تعصب‌ها، تشنج‌ها و احساس‌های تند فرقه‌ای گرایش یافته‌اند. در نتیجه ناهم‌گرایی بین آنان تشدید شده است. همچنین به دلیل رها کردن یکی دیگر از ارزش‌های بزرگ اسلامی، یعنی «علم‌گرایی»، گرفتار بی‌سوادی، کم‌سوادی و سواد سطحی شده‌اند. در نتیجه دیگران در مسائل علمی جلو افتادند و مسلمانان دچار خودبیگانگی و خودفراموشی شده‌اند و واگرایی در میان آنها افزایش یافته است.

فهرست منابع

- بشیری، ابوالقاسم، ۱۳۸۹، «از خود بیگانگی»، مجله معرفت، ش ۹۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، غرر الحکم و درر الکلم، یک جلد، چ ۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، تسنیم؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، چ ۱، انتشارات اسراء، قم.
- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۷۱، عیون مسائل النفس و سرح العیون فی شرح العیون، چ ۱، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- _____، ۱۳۷۶، نور علی نور، چ ۶، انتشارات تشیع، قم.
- زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸، هویت و نقش های جنسیتی، چ ۱، مرکز امور زنان و خانواده، نهاد ریاست جمهوری، تهران.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر القرآن الکریم (صدر)، چ ۱، انتشارات بیدار، قم.
- _____، ۱۹۸۱، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، چ ۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- صدوق، محمدبن بابویه، ۱۴۰۳ق، الخصال، چ ۱، انتشارات جامعه مدرسین قم، قم.
- صفوی همامی، سید حمزه، ۱۳۹۲، مسلمانان و روند هم‌گرایی سیاسی و فرهنگی در اروپا (مطالعه موردی هویت جمعی مسلمانان مهاجر ساکن در شهرهای پاریس و بروکسل) (پایان نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبایی رشته علوم سیاسی).
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، الطبعة الاولى، جامعه المدرسین، قم.
- غزالی، محمد ابوحامد، ۱۳۸۰، کیمیای سعادت، چ ۹، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶، الوافی، چ ۱، کتابخانه امیرالمؤمنین، اصفهان.
- کربلایی، شیخ جواد، ۱۴۰۴، الأنوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعة، انتشارات دار الحدیث، قم.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، چ ۴، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
- گل محمدی، احمد، ۱۳۸۶، جهانی شدن فرهنگ و هویت، چ ۳، نشر نی، تهران.
- لطف آبادی، حسین و وحیده نوروزی، ۱۳۸۳ «سنجش رابطه‌ی هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان ایران با نگرش آنان به جهانی شدن»، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ش ۴۰، پاییز.



- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، به سوی او، چ۱، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
- _____، ۱۳۹۱، اخلاق در قرآن، چ۵، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، مجموعه آثار، چ۲، انتشارات صدرا، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، چ۱، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، قم.
- مهدوی‌کنی، محمدرضا، ۱۳۷۶، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، چ۷، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اهل‌بیت، بیروت.
- نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۷، معراج السعادة، چ۵، انتشارات هجرت، قم.
- نوابخش، مهرداد مقتدزاده ملک، ۱۳۹۱، «بررسی ابعاد هویتی سه‌گانه (محلی، ملی و جهانی) در بین جوانان و نقش آن در توسعه فرهنگی استان آذربایجان شرقی»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره اول، زمستان.
- نوذری، محمود، ۱۳۸۹، تحول ایمان به خدا (پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی تربیتی)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
- واعظی، محمود، ۱۳۸۹، «فصل اول: هویت جمعی و هم‌گرایی اروپایی»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، آبان ۱۳۸۹، ش ۲۷.
- Berzonsky, M. D. (2011). A social-cognitive perspective on identity construction. . In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research (pp. 267–283). New York: Springer.
- Betz, Dieter, Hans, et all (editor) (2009). Religion Past & present; Encyclopedia of Theology and religion, Brill, Netherland.
- Cheek, Jonathan, Shannon Smith & Linda Tropp (2002). Relational identity orientation; a fourth scale for the AIQ, (Annual Meeting), February 2002, Savannah, GA.
- Corsini, J. Raymod.(editor) (1987). Concise Encyclopedia of psychology, New York, John Wiley.
- Erikson, E. H (1968). Identity; Youth and crisis, New York; W. W. Norton & company INC.

- Erikson, E. H (1980), Identity and the life cycle, New York, Norton Company, first published.
- Jacobson, J. (1998). Islam in Transition. London, Roytledge.
- James, W. (1890). The principles of psychology. New York: Henry Holt.
- Kazdin, Alan, E.: (Editor in chief) (2000). Encyclopa of psychology, APA, Oxford university press, New York.
- Marcia, James, E. (1980). "Identity in adolescent" the chapter five in Adver, J. (1980). Handbook of adolescent, New York.
- McAdams, D. P. (2008). Personal narratives and the life story. In O. John, R. Robins, & L. Pervin (Eds.), Handbook of personality: Theory and research (3rd ed., pp. 242–262). New York: Guilford Press.
- Oxford (2010). Advanced Learner English Dictionary, Oxford Press, London.
- Smits Ilse (2009). Identity styles in adolescence, measurement and associations with perceived parenting, personal well-being, and interpersonal functioning. Doctoral dissertation submitted to obtain the degree of Doctor in Psychology. Supervisor: Prof. Dr. L. Goossens ; Co-supervisor: Prof. Dr. B. Soenens, Catholic university, LEUVEN, Germany.
- Tajfel, H. (1978). Interindividual behaviour and intergroup beahviout, in H. Tajfel (ed) Defferenciation Between Social Groups. London: Academic Press.
- Vignoles, V.L., S. J. Schwartz, and K. Luyckx (2011). Introduction: Toward an Integrative View of Identity, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research, New York: Springer.



The Role of Identity in Convergence of the Islamic People¹

Najibullah Nouri²

Abstract

The purpose of this research is to express the role of identity in the convergence of the Islamic world. First, according to the definitions, characteristics, and levels of identity in psychology and identity research, the conflicting relationship of identity and convergence has been raised. Then, using the content analysis method, the nature of identity in Islamic sources is investigated. Findings of the research studies show that the nature of identity consists of four components of beliefs, values, goals and abilities, and this identity plays an effective role in the convergence of the Islamic world, because these components convert Muslims to the only God, the Prophet, the common book, the same destiny, common human values, united objectives and equivalent capacities. All these things can facilitate the formation of the identity of the "united nation" and increase convergence.

Keywords: identity, convergence, Islamic world, Islamic people, common human values

1. Received: 1/12/1395 Accepted: 22/12/1395

2. Teacher at the level four of seminary and PhD in psychology, associate researcher, Al-Mustafa International university, noori1351@gmail.com

